

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»

و داکتر صلاح الدین «سعیدی – سعید افغانی»

۱۱ سپتمبر ۲۰۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

## خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

۲

نظریات علمای اسلام

در مورد خودکشی، عمل انتحاری و استشهادی

چنانچه در بالا نیز به شکل مختصر متذکر شدم اگر به نظریات علماء ، مفسران و فقهای دینی دین مقدس اسلام در مورد اعمال انتحاری مراجعه نمائیم ، به وضاحت تام در خواهیم یافت که ایشان تحقیقات لازم در زمینه ارائه نداشته اند . عامل عدم تحقیق در این عرصه ناشی از عدم موجودیت سلاح پیشرفته و انفجاری در آن زمان بوده است .

ولی زمانی که انسانها دست به اختراع سلاح های پیشرفته از جمله سلاح های انفجاری یافتند همزمان با پیدایش آن ، عملیات انتحاری به شکل فعلی آغاز و توجهات برای آن دریافت کردند .

فقها و مفسرین در عمل انتحاری «استشهادی» به دو دسته منقسم گردیده اند:

دسته ای از فقها و مفسرین اعمال انتحاری « استشهادی » را تأیید و آن را مطابق شرع و دفاع مشروع و به اصطلاح اعمال استشهادی یا شهادت طلبانه قلمداد نموده اند .

امام محمد بن الحسن الشیبانی در کتاب خویش (السیر ۱ / ۱۶۳) می نویسد: « انسانی که به تنهایی بر دشمن حمله کند و این حمله به منظور عزت دینش صورت بپذیرد و جان خود را در آن به شهادت برساند . بر اثر این شهادت او زندگی ابدی را نصیب می گردد یعنی هلاک نه بلکه به بهشت می رود .

او می افزاید: «اگر شخصی به تنهایی بر دشمن حمله کند و می داند که کشته می شود ولی بر اثر این کشتن فایده ای برای مسلمانان می رسد ، به بهشت می رود .

ولی اگر شخص انتحاری بداند که به این عملش فایده برای مسلمانان نمی رسد، در این صورت برای این شخص انتحار کننده لازم نیست که دست به چنین اقدامی بزند. چراکه با این عمل، برای اسلام کدام اعزاز نصیب نمی گردد بلکه تنها جانش را از بین می برد.»

علامه ابن حجر می گوید:

«اگر عمل انتحاری برای تضعیف روحیه دشمن صورت گیرد، این عمل انتحار کننده از جانب جمهور علماء مورد تأیید است و برای شخص انتحار کننده اجازه انتحار می دهد.

ولی اگر این کار صرف برای ایجاد ترس و رعب در بین مردمان جامعه باشد، (انتحار بی هدف)، این عمل انتحار کننده، عمل خوب نبوده و عمل ممنوع می باشد.

به خاطر این که ضرر این عمل در نهایت امر به ضرر مسلمانان می انجامد. «(سبل السلام ۲ / ۴۷۳). عالم شهیر جهان اسلام وهبه بن مصطفى الزحیلی متولد ۱۹۳۲ م. در شهر دمشق - سوریه طی فتوایی می نویسد: «زمانی که لازم و ضروری باشد در برخورد با دشمن حربی، عملیات شهادت طلبانه انجام شود، و ظن غالب حاصل شود که دشمن، آن شخص را می کشد و یا شکنجه می کند، و عملیات نیز با اذن حاکم شرع انجام شود، و این نوع عملیات ترس و وحشت در دشمن ایجاد کرده و باعث قطع تجاوز دشمن شود، چنین عملیاتی به خواست خداوند جایز است.»

اما درین فتوا هم دیده می شود که مسأله کشته شدن انسانهای بی گناه و متضرر شدن افراد معصوم که مورد مذاقه قرار نگرفته و یا هم تخنیک آن را چنین التفات را به خاطر عدم وجود تأثیرات جانبی و کشته شدن انسانهای بی گناه به اساس وسایل تخنیکی ابتدائی آزمون مطرح نمی کرد. مطمئناً اگر علمای آن عصر این تأثیرات جانبی و کشته شدن انسانهای بی گناه و ضرر رسیدن به اشخاص بی گناه را می دیدند و درک می کردند که امروز از اثر این انتحاری ها فضائی به وجود می آید که فرصت توبه را حتی از مسلمان متخلف می گیرد، به هیچ صورت به مشروعیت عمل انتحاری و لو به نیت نیک نیز اجازه نمی دادند.

محمد سعید رمضان البوطی: محمد سعید رمضان البوطی (۱۴۳۴-۱۳۴۷ هـ / ۱۹۲۹ - ۲۰۱۳ م) یکی دیگر از علمای مشهور و متخصص در علوم اسلامی و مفتی مشهور جهان اسلام، طی فتوایی می نویسد:

این نوع عملیات صددرد صد مشروع است در صورتی که قصد هدف این عملیات ضربه زدن و کشتن دشمنان باشد، نه ریختن خون خودش، و اگر قصد کشتن خود را داشته باشد، این خودکشی می شود و شهید محسوب نمی شود، پس واجب است نیت کشتن دشمنان را بکند نه نیت مردن خود. (مراجعه شود به فتاوی شیخ محمد سعید رمضان البوطی دمشقی). در همین صورت هم همان مانع کشته شدن انسانهای بی گناه به علت تخنیکی مدرن امروزی مطرح است.

عبدالله بن منیع از علمای عربستان می گوید: شکی وجود ندارد که عملیات شهادت طلبانه در راه خدا به ضد دشمنان خدا و رسول او و دشمنان مسلمین، موجب تقرب و نزدیکی مجاهد مسلمان به خداوند می شود. و شکی وجود ندارد که این نوع عملیات برترین باب جهاد در راه خداوند است، و هر کسی که در اینگونه عملیات به شهادت برسد، ان شاء الله شهید می باشد، البته سزاوار است مجاهد مسلمان نیت خود را نیکو کند و جهادش فقط برای خدا باشد. نفس مانع فوق در عمل انتحاری که عامل کشتن انسانهای بی گناه و عدم دادن فرصت توبه شود، ادامه دارد.

محمد سید طنطاوی شیخ الازهر درباره عملیات استشهادی می گوید:

این که مسلمانی خودش را در میان دشمنان اسلام منفجر می کند این دفاع و نوعی شهادت است... جهاد در راه خدا واجب کفائی است ولی اگر به سرزمین مسلمانان حمله شود این جهاد واجب عینی می شود و اینجاست که عملیات استشهادی از برترین واجبات و بهترین شکل فداکاری در اسلام است.

باز هم مسأله کشته شدن انسانهای بی گناه و گرفتن فرصت توبه به جای خود باقی است که مورد بررسی قرار نگرفته.

**شیخ احمد کفتارو، مفتی اعظم سوریه در این رابطه می فرماید :**

عملیات شهادت طلبانه علیه اسرائیلی ها جایز و مشروع بوده و مجریان چنین عملیاتی شهید می باشند که از جانب خداوند و عده بهشت داده شده اند.

وی تأکید می کند که این عملیات باید منضبط به مبانی جهاد در اسلام باشد. از آن جمله این که مقصود و مراد، دفاع از امت اسلامی و متوجه ظالمان، محاربان و حامیان آنان در جامعه ... در چارچوب برنامه ای کلی و ضامن مصلحت امت اسلامی باشد.

در تمام حالات فوق نباید فراموش کرد که در عمل استشهادی با تخنیک وامکانات تخنیکی امروز که سبب کشته شدن، زخمی شدن و متضرر شدن انسانهای بی گناه گردیده و موجبات خسارات غیر قابل قبول را عامل شده و سبب قتل و گرفتن جان، مال و ملکیت انسانهای بی گناه می شود با عمل استشهادی که حتی همین علماء سفارش می کنند، در نظر گرفته نشده و منظور نمی باشد. به یقین اگر این عده از علماء هم در صورت بروز این بی عدالتی ها و قتل و کشتن انسانهای بی گناه و متضرر شدن مال و ملکیت شان از اجرای عمل انتحاری و یا استشهادی حتی به هدف خیر نیز، آن را مجاز ندانسته و منع می کردند.

**فتوای علمای فلسطین واردن:**

علمای فلسطین طی فتوایی در مورد عملیات استشهادی می نویسند :

این عملیات استشهادی یک نوع جهاد در راه خدا به شمار می رود... و مجریان این عملیات نمونه های بارز و زنده در جهاد و مقاومت و شهادت به جامعه نشان داده اند، علمای قدیم و معاصر مشروعیت این نوع عملیات را تأیید کرده و راجع به آن فتواهائی را صادر نموده اند.

مشروعیت اینگونه عملیات از کتاب و سنت و اجماع به وضوح با در نظر داشت شرایط معین استنباط می شود... علماء امت بر این مطلب که اگر یک نفر مسلمان به هزار نفر دشمن حمله ور شود، اگر نیت وی از این کار پیروزی بر آنان و وارد آوردن خسارات و ترساندن آنها باشد، اتفاق نظر دارند که این کار جایز است، و چون نیت ضربه زدن به دشمن را داشته کار او صحیح است و از لحاظ شرعی ممانعتی ندارد و مصداق این آیه قرآن است:

«ثُرْهِیُونَ بِهٖ عَدُوَّاللّٰهِ و عَدُوَّكُمْ...» .

تمام ادیان آسمانی و قوانین بین المللی دفاع ملتها را از وطن خود و جنگیدن با دشمن متجاوز را با هر وسیله ای جایز دانسته اند.»

شورای فقهای اردن در سال ۱۳۷۵ هـ . ش فتوای مشهوری را طی تجمعی صادر نمودند ، طی بیانی ، عملیات انتحاری « استشهادی» در اسرائیل را، مصداق شهادت در راه خدا نامیدند.

اکثریت مطلق این علماء فتوای خویش را به آیات قرآنی ، احادیث نبوی ، و روایات اسلامی مستند ساخته، و مشهورترین حدیثی که مورد استناد آنان قرار گرفته است، حدیثی است که: از حاکم روایت گردیده است.

**درین حدیث آمده است:** مردی از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید یا رسول الله ، آیا اگر بر مشرکان حمله کنم و تا لحظه مرگ با آنها بجنگم ، داخل جنت خواهم شد ؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود بلی . آن مرد هم پس از شنیدن سخنان پیامبر صلی الله علیه وسلم به صفوف مشرکان حمله ور شد و تا مرگ با آنها جنگید . ولی باید گفت این امر پیامبر اسلام مربوط به جهاد و مقابله با نیروهای های نظامی دشمن آن عصر است که در نتیجه عمل انتحاری و استشهادهای صرف و صرف و یا به صورت اساسی سبب قتل، کشتن و یا تخریب دشمن می گرد . آنهم با وسایلی که در عمل صرف دشمن متضرر و یا کشته می شود .

اما مقایسه این منبع به خاطر عدم مقایسه به عمل انتحاری امروزی که با امکانات فنی و تخنیکی مدرن سبب کشتن و ضرر به انسان های بی گناه و یا ضرر به مال و جان انسان بی گناه و حتی مسلمانانی که مخالف دشمن مشترک می تواند باشد، می گردد، مورد مقایسه و قیاس ندارد و داشته نمی تواند . در شرایط و امکانات مدرن تخنیکی و کارا بودن سلاح های کشنده فرصت دادن توبه نیز حتی از انسان متخلف گرفته شده و موضوع را از قیاس به حدیث فوق اساساً جدا ساخته و مبرر شرعی جواز مسأله را نفی نموده و به جای دیگری می کشد که سبب حرمت عمل انتحاری می شود .

پیامبر اسلام در امر مقدس جهاد بر همه اهداف جنگی دوران جاهلیت که منجر به چور و چپاول ، تخریب و ویرانی و تجاوز به عفت زنان و قساوت با ناتوانان و نوزادان و اطفال و نابودی کشتزار ها و فساد در روی زمین می شود، خاتمه داد .

جنگ در دین مقدس اسلام به کلمه مقدس جهاد تغییر نام یافت . و امر جهاد مفاهیم وسیع دارد . در اساس جهاد با نفس خویش آغاز و به جهاد مسلحانه در صورت داشتن شرایط اوج می گیرد، برای خدمت اهداف شرافتمندانه و مقاصد والا و غایاتی پسندیده می باشد . این برخورد نیک و انسانی و داخل قواعد بوده که دین اسلام به قلب میلیونها انسان کره زمین راه یافته و از انسان وحشی قسی القلب و متخلف انسانی با بلند ترین درجه و نمونه اخلاقی ساخته است . مسلم این است که این عقیده بدون اینگونه فضایل نیک به زور شمشیر و قساوت به قلب انسانهای دیگر داخل شده نمی توانست و نمی تواند .

جهاد اسلام عبارت از مجاهدتی است که انسان را از چنگال نظام جور و ستم در چوکات قواعد و اصول معین رهائی بخشیده و برای برقراری نظام عدالت و انصاف و در نهایت در برقراری نظامی که نیرومند توان پایمال کردن حق ضعیف را از دست داده و در صورت تخلف مورد پیگیری عدلی و قضائی قرار گرفته و به تأمین عدالت پرداخته می شود .

در حدیثی سلیمان بن بریده از پدرش روایت نموده است: چون رسول صلی الله علیه وسلم کسی را به عنوانی قومندان و سر لشکر سپاه یا سرریه (گروه گروپ کوچک جهادی) می فرستاد او را به رعایت تقوا در مورد نزدیکانش و مقربانش توصیه می فرمود و از او می خواست تا با مسلمانان همراهش به شیوه ای پسندیده رفتار نماید . آنگاه می فرمود : « جهاد و پیکار کنید به نام خدا و در راه خدا با کسانی که به خداوند کفر ورزیده اند ، پیکار کنید اما خیانت و ناجوانمردی مکنید ، مثله مکنید و کودکی را مکشید ... » (مثله به معنای بی سیرت کردن و یا مثلاً گوش و بینی بریدن است.)

پیامبر اسلام به آسانگیری نیز فرمان داده و می فرماید : « آسان گیرید و سختگیری مکنید، مردم را به خود گرایش دهید و از خود مرانید » (صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۲ و ۸۳ المعجم الصغیر ، طبرانی ج ۱ ص ۱۲۳ ، ۱۸۷)

پیامبر صلی الله علیه وسلم اگر شبانگاه به قومی می رسید ، بر آنان حمله و یورش نمی بُرد تا آن که سپیده می دمید.

از سوزاندن مردم در آتش اکیداً منع کرده بود. از کشتن کسی که در بند است و از زدن و کشتن زنان و از غارت و چپاول نهی کرده و فرمود : « مال غارتی از گوشت مردار حلال تر نیست » همچنین از تباه نمودن کشت و نسل و بُریدن در ختان، منع فرموده است .

در هنگام فتح مکه هدایات اُکید صادر فرمود : « به هیچ وجه مجروح و اسیر را مکشید و فراری را تعقیب مکنید»

همچنان در حدیثی که از حضرت علی کرم الله وجهه روایت است که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است « از به کار گیری سم ( زهر ) در شهر های مشرکین نهی کرده است. پیامبر خدا از کشتن زنان و اطفال در جنگ منع فرموده اند مگر این که در کار زار جنگ مشارکت داشته باشند.»

در احادیث متبرکه تذکر رفته است که : پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم زمانی که گروه های حربی و نظامی خویش را به سوی جبهات اعزام می داشت، اکیداً به ایشان هدایت می فرمود :

( ... ولا تقتلوا شیخاً فانیا ولا طفلاً صغیراً ولا امرأة ولا تغلوا واصلحوا واحسنوا ان الله یحب المحسنین ) ( الشامی ۱۳۱۴ : ۶ / ۷ ) .

( موسفیدان ، پیرمردان ، اطفال و زنان را به قتل نرسانید ، خیانت نکنید ، صلح را در پیش گیرید ، نیکی کنید ، که پروردگار نیکو کاران را دوست دارد).

پیامبر صلی الله علیه وسلم به سپاهیان و مجاهدین خویش اکیداً دستور می داد :

« ای بندگان خدا ! برای خدا و در راه خدا جهاد کنید ، و همیشه از درگاه پروردگار کمک و استعانت جوئید . ای مردم !

کفار را پس از کشتن « مثله » ننمائید ، یعنی چشم و گوش و بینی و دیگر اعضای آنان را نبرید ، اطفال و زنان و پیرمردان و راهبان آنان را به قتل نرسانید و درختان آنان را جز در هنگام ضرورت نبرید ، و هر گاه یک نفر از شما مشرکی را امان دهد ، امان او را محترم شمرده و امانش دهید تا آن که آن مشرک کلام خدا را بشنود . هر گاه اسلام اختیار نمود برای شما خواهد بود ، و اگر اسلام اختیار نکرد به جای خود برگردد و از خداوند توفیق جهاد را بخواهید .

ای مسلمانان !

هیچ گاه نخلستان ها را نسوزانید ، و کسی را به آب غرق ننمائید ، درختان میوه دار را از ریشه و بن نکنید و زراعت و محصول آنها را آتش نزنید.»

همچنان تعدادی کثیری از علماء و فقهای اسلام به راه انداختن اعمال انتحاری را که موجب قتل نفس انسانان بیگناه به خصوص اطفال و زنان می گردد حرام اعلان داشته و می گویند که انتحار کننده ، به هیچ صورت در بهشت داخل نمی شود.

شیخ عبد العزیز آل شیخ مفتی کشور عربستان سعودی و شیخ الازهر شیخ محمد سید طنطاوی ، طوری که فوقاً بدان اشاره نمودیم ، طی فتوا های شرعی اعلام داشت اند: عملیات در صورتی استشهادی است و مورد قبول شرع است: که علیه متجاوزین و مراکز نظامی صورت گیرد ، نه علیه کودکان و زنان و انسانهای بیگناه . شیخ محمد سید طنطاوی می گوید :

« اگر انسانهای بیگناه به قتل برسند ، در آن هیچ گونه وجه شرعی برای این نوع عملیات نمی بینم و آن را جهاد در راه خدا نمی دانم . »

به ارتباط پرهیز از قتل نفس در اسلام خداوند متعال در ( آیه ۶۸ سوره فرقان ) می فرماید : « **ولا يقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق** » «آنان انسانی را که خداوند ریختن خونس را حرام شمرده - جز به حق - نمی کشند » در دین مقدس اسلام گناه انسان کشی بی نهایت سخت بوده و مجازات شدیدی برای آن قرار داده شده است ؛ خداوند متعال می فرماید :

« **ومن يقتل مؤمناً متعمداً فجزوه جهنم خالداً فيها وغضب الله عليه ولعنه واعد له عذاباً عظيماً** » ( سوره نساء آیه : ۹۳ )

« **وکسی که فرد مؤمنی را از روی عمد بکشد ( از ایمان او باخبر بوده و تجاوز کارانه او را به قتل برساند و چنین قتلی را حلال بداند ، کافر به شمار می آید و) کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می ماند و خداوند بر او خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می سازد و برای او عذاب بزرگی آماده می کند.** »  
در این آیه مبارکه پروردگار ما چار گونه مجازات شدید را برای قاتل و مرتکبین اینگونه عمل شنیع مقرر فرموده است:

۱- خلود و جاودانگی در دوزخ .

۲- غضب الهی .

۳- لعنت خدا.

۴- عذاب بزرگ .

همچنان خداوند پاک در ( آیه ۳۲ سوره مائده ) می فرماید :

« **من قتل نفساً بغير نفس او فساد في الارض فكانما قتل الناس جميعاً ومن احياها فكانما احيا الناس جميعاً** » .

« **هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل ، یا فساد در زمین بکشد ، چنان است که گوئی همه انسانها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهائی بخشد ، چنان است که گوئی همه مردم را زنده کرده است.** »  
برخی از علماء بدین باور اند:

کسانی که با سلاح کشنده انسانهای بی گناه را به قتل می رسانند و افراد یک جامعه را می ترسانند و امنیت جامعه را به خطر مواجه می سازند . چنین شخصی به عنوان « **محارب با خدا و مفسد فی الارض** » معرفی شده و حکومت اسلامی حق دارد او را محکوم به اعدام نماید.

طوری که قرآن عظیم الشان در مورد حکم صریح و آشکار را بیان فرموده میفرماید :

« **انما جزاؤ الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدینا ولهم فی الآخرة عذاب عظیم** » ( مائده : آیه ۳۳ ) « **کیفر کسانی که ( بر حکومت اسلامی می شورند و بر احکام شریعت می تازند و بدین وسیله) با خدا و پیغمبرش می جنگند ، و در روی زمین ( با تهدید امنیت مردم و سلب حقوق انسانها ، مثلاً از راه رهنی و غارت کاروانها) دست به فساد می زنند ، این است که (در برابر کشتن مردم) کشته شوند ، یا (در برابر کشتن مردم غصب اموال) به دار زده شوند ، یا (در برابر راهزنی و غصب اموال ، تنها) دست و پای آنان در جهت عکس یک دیگر بریده شود ، و یا این که (در برابر قطع طریق و تهدید ، تنها) از جایی به جایی تبعید گردند و یا زندانی شوند . این رسوائی آنان در دنیا است ، و برای شان در آخرت عذاب بزرگی است . »**

در دین مقدس اسلام وضع قانون طوری عادلانه تنظیم و پیش بینی گردیده است که اگر به نطفه منعقد در رحم مادر هم تجاوز صورت گیرد، آن را گناه کبیره محسوب داشته و دیه سنگینی را برای متخلف وضع نموده است.

به ارتباط گناه قتل نفس پیامبر اسلام پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است :

هر گاه دوفتر مسلمان بدون حق شمشیر به روی هم کشیدند و یکی از آنها در میان کشته شد، هر دو اهل جهنم خواهند بود، یکی از صحابه از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدند: مقتول چرا اهل جهنم می شود؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم در جواب فرمودند: « لانه اراد قتلا » زیرا مقتول نیز اراده و نیت کشتن طرف مقابل را کرده بود، منتها به مرادش نرسید و خودش کشته شد.

در حدیث دیگری از ابو سعید خدری روایت است: به پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر دادند که یکی از مسلمانان کشته شده، ولی معلوم نیست که قاتلش کیست. پیامبر صلی الله علیه وسلم در حالی که اثر قهر در چهره مبارکش نمایان بود، به مسجد رفت و بر منبر قرار گرفت و پس از حمد و ثنا گفت:

مسلمانی کشته می شود و کسی از قاتل او خبر ندارد! قسم به خداوندی که جانم در اختیار او است. هر گاه اهل آسمانها و زمین برای کشتن یک نفر مؤمن اتفاق کنند، یابا آن راضی شوند، خداوند همه آنها را وارد آتش دوزخ گرداند! قسم به خدا هر شخصی از روی ظلم تازیانه ای به کسی بزند، در روز قیامت در میان آتش دوزخ مثل آن تازیانه را به او می زنند.

چنانچه گفته آمدیم علمای اسلام بدین باور اند که انسان همانطوری که حق ندارد، حیات و زندگی را از دیگران سلب کند، اجازه ندارد که حتی به زندگی خود هم خاتمه دهد و یا عمل را انجام دهد که منجر به خودکشی گردد.

نفس نعمتی از نعمات است که پروردگار برای ما انسان ها عطاء فرموده است. زندگی است که استفاده از سایر نعمات توسط همین زندگی میسر و امکان پذیر می گردد. بدین اساس حفظ این نعمت الهی از مهمترین مسؤولیت ها و وظایف انسانی ما انسانها به شمار می رود.

در دین مقدس اسلام همانطوری که کشتن دیگران، حرام و گناه است، خودکشی و یا انتحار هم نوعی جرم و انحراف از احکام الهی به حساب می آید.

**خودکشی یا انتحار** در جامعه ای که بر اساس معیار های اسلامی بنا شده باشد، گناه و قتل نفس محسوب می شود قتل نفسی که پروردگار با عظمت ما از آن مسلمانان را جداً منع فرموده است.

خداوند پاک می فرماید: « ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً ومن یفعل ذلک عدواناً وظلماً فسوف نصلیه ناراً وکان ذلک علی الله سیراً »

(خود را مکشید و دستخوش هلاک و تباهی مسازید که خداوند با شما مهربان است. هر که از روی تجاوز و ستم و ظلم چنین کند، به زودی او را در آتش دوزخ خواهیم افگند و این برای خدا آسان است.)  
حضرت علی کرم الله وجهه می فرماید:

« مؤمن کسی است که به هر طریق الا خودکشی بمیرد »

در دین اسلام، ضمانت اجرائی ممنوعیت خودکشی، بر پایه اصول و مبانی عقیدتی و اخلاقی استوار است. مؤمن کسی است که به حاکمیت خدا بر جهان و انسان اعتقاد کامل دارد و معتقد است که خداوند انسان را به سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته و هی چکس نمی تواند این حق خدا داد را از انسان سلب کند. فرد مؤمن در زندگی اجتماعی و در مواجهه با مسائل و مشکلات روزمره، با تلاش و کوشش و نیروی ایمان، از الطاف و رحمت

پروردگار نا امید نمی شود ، تا اقدام به خود کشی کند . در نتیجه ، اگر انسان ها آگاهانه اقدام به خود کشی نمایند ، به این سبب که حیات خود را بر خلاف امر الهی سلب کرده اند ، **بی ایمان از دنیا خواهند رفت** . بدین اساس خود کشی در اسلام و شریعت اسلامی از نگاه اخلاقی ، درونی و دینی مورد مذاقه قرار گرفته و همین امر در طول تاریخ موجب گردیده است که آمار خود کشی در بین مسلمانان با آمار خود کشی سایر ملل قابل مقایسه نمی باشد .

ادامه دارد